

### گزارش

## «شرق» از راهبردهای تهران به واسطه یکن گزارش می‌دهد چین اهرم فشاری علیه ایران دارد؟

**مالک مصدق**؛ به‌تازگی نشریه فارن‌پالیسی در مقاله‌ای با عنوان «چین واقعا تا حد چه بر ایران اهرم فشار دارد؟» نوشت که «حتی قبل از اینکه تهران صدها هواپیمای بدون سرنشین و موشک را به سمت اسرائیل پرتاب کند، مقامات آمریکایی از چین خواسته بودند تا از نفوذ خود برای متقاعدکردن تهران برای مهار اقدامات خود و گروه‌های مقاومت در سراسر خاورمیانه استفاده کند.» ازاین‌رو به گفته نشریه مذکور، «حمله انتقام‌جویانه ایران که اولین حمله مستقیم این کشور به اسرائیل بود، ایالات متحده را به استفاده بیشتر از اهرم بالقوه یکن در خاورمیانه ترغیب کرده است. درحالی‌که چین مدت‌هاست از جمله بزرگترین شریک تجاری ایران تبدیل شده و مقامات ارشد ایالات متحده از جمله رئیس‌جمهور جو بایدن، به‌طور علنی از یکن خواسته‌اند تا به کنترل تهران کمک کند»، به‌ویژه که این نشریه ذیل نگاه ضد ایرانی خود مدعی شده که «در ماه‌های گذشته حملات گروه انصارالله در دریای سرخ که توسط تهران تشویق می‌شوند، حمل‌ونقل جهانی را مختل کرده است». جالب اینجاست که فارن‌پالیسی در مطلب دیگری به قلم جیمز پالمر و در جواب این پرسش که چرا یکن در تقابل ایران و اسرائیل، تهران را به تل‌آویو ترجیح داد؟ در ادعایی نوشت «دیپلمات‌های چینی پشت درهای بسته تلاش می‌کنند هم‌تایان اسرائیلی‌شان را قانع کنند که اظهارات علنی دولت چین نشان‌دهنده منویات قلبی یکن درباره لزوم مجازات دولت اسرائیل بابت اقداماتی که انجام داده است نیست و یکن همچنان خواهان حفظ روابط دوجانبه است.» ازاین‌رو و به گفته پالمر، در تنش تهران – تل‌آویو، چین طرف ایران را گرفته، اما به نظر می‌رسد یکن در تلاش برای تنش‌زدایی از وضعیت موجود و در عین حال طعنه‌زدن به آمریکااست.

در این بین و با توجه به آنچه در فارن‌پالیسی عنوان شد، سؤال کلیدی اینجاست که آیا چینی‌ها توان کنترل تهران را مطابق با نگاه واشنگتن دارند؟ سعید میرطاهر در گفت‌وگو با «شرق»، پاسخ این پرسش را از ابعاد مختلف «نه» می‌داند و در تبیین این جواب خود بر این باور است که اساسا یکن در معادلات کنونی خاورمیانه نقش آفرینی چندانی ندارد، چراکه به گفته این تحلیلگر آسیای جنوبی، چینی‌ها صرف تمرکز سیاسی و دیپلماتیک غربی‌ها و به‌خصوص آمریکا در غرب آسیا و همچنین اختصاص هزینه‌های کِزاف تسلیحاتی در دو جنگ اسرائیل و حماس و همچنین جنگ اوکراین را بهترین فرصت می‌دانند که واشنگتن توجه خود را از راهبردهای چین و پرداختن به موضوع تایوان کمتر کند. به همین واسطه مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی این را یادآور می‌شود که چنین سیاستی برای یکن چنان اهمیت دارد که حتی به بهای افزایش قیمت انرژی جهانی، چینی‌ها ذیل درخواست ایالات متحده فعلا درصدد مهار تهران و حوثی‌ها نخواهند بود.

البته میرطاهر در ادامه انذمان دارد که حتی اگر به واسطه افزایش بهای انرژی، در آینده چینی‌ها به دنبال کنترل تهران و مهار انصارالله هم باشند، امری نیست که یکن به‌تنهایی بتواند در آن نقش‌آفرینی کند، چراکه این سیاست درست در مقابل اهداف و منافع روس‌ها قرار دارد. اهدافی که کرملین تلاش دارد با فرسایشی‌شدن و تشدید بحران در خاورمیانه از توجهات به جنگ اوکراین کاسته شود. در سایه آنچه گفته شد، کارشناس ارشد مسائل آسیای جنوب شرقی در ادامه گپ‌وگفتش با «شرق»، روی موضوع صادرات و فروش نفت ایران به چین تمرکز می‌کند و این پارامتر را چندان قوی نمی‌داند، چراکه به زعمش، یکن معیار و معسیرهای جایگزین دیگری را برای تأمین انرژی در اختیار دارد. بیرو آنچه سعید میرطاهر عنوان کرد، در گزارش مذکور نشریه فارن‌پالیسی هم به این موضوع اشاره شد که اگرچه ایالات متحده به طور فزاینده‌ای به دنبال چین برای تحت تأثیر قرار دادن ایران است، برخی کارشناسان هشدار می‌دهند که این موضوع به این سادگی‌ها نیست؛ چراکه فارن‌پالیسی هم می‌گوید «روابط اقتصادی تهران – یکن به لحاظ نفوذ نابرابر است» و در تأیید گفته خود به این نکته تأکید می‌کند که «سال گذشته بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت به چین از ایران به چین بوده است، با این حال، چین تأمین‌کنندگان بسیار دیگری فراتر از ایران دارد و عرضه تهران تنها ۱۰ درصد از کل واردات چین را تشکیل می‌دهد.»

رسول ناهوندی هم دیگر کارشناسی بود که در گفت‌وگوی خود با «شرق» و همسو با ارزیابی سعید میرطاهر، از زاویه‌ای متفاوت به موضوع ورود می‌کند و تأکید دارد که «نکته اساسی پیرامون درخواست آمریکا از چینی‌ها برای کنترل تهران و مهار انصارالله به میزان موفقیت یکن در نقدکردن مناسبات تجاری و اقتصادی‌اش با تهران در عرصه سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و دفاعی و میدانی، ناظر بر تحولات خاورمیانه بازمی‌گردد». لذا این تحلیلگر ارشد مسائل غرب آسیا با بیان این نکته که اگرچه اکنون چینی‌ها مهم‌ترین شریک اقتصادی و تجاری ایران محسوب می‌شوند و هم‌زمان اقتصاد و معیشت کشور هم مشکلات زیادی دارد اما از منظر او، این پارامترها لزوما تأثیر خود را در عرصه سیاسی و دیپلماتیک خاورمیانه به شکل ملموس نخواهد گذاشت. چون با قرائت ناهوندی، «شرط لازم این کار به اراده چینی‌ها در جهت نقدکردن مناسبات اقتصادی‌شان با ایران برای سمت‌وسودهی به تحولات خاورمیانه برمی‌گردد». در ادامه، تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل به شرط کافی هم اشاره دارد و در تشریح آن معتقد است باید تهران هم پذیرای چنین نگاهی از سوی چینی‌ها باشد که البته از منظر مفسر ارشد حوزه غرب آسیا، بعید است که ایران، ولو با نگاه راهبردی خود به روابطش با چین و نیاز مبرم به فروش نفت و تداوم مناسبات تجاری با این کشور بخواهد یا اجازه دهد این مناسبات تجاری در حوزه سیاسی و خارجی تحولات منطقه خاورمیانه در جهت تأمین نگاه واشنگتن اثرگذار باشد.

بیرو تحلیلی که توسط رسول ناهوندی ارائه شد، در بخشی از مقاله فارن‌پالیسی هم به نقل از ویلیام فیکرووا، کارشناس روابط چین و ایران در دانشگاه کرونینگ هلند به این نکته حائز اهمیت اشاره شده، «در حالی که چین از نظر فروش و تجارت نفت دارای اهرم فشار است، اما استفاده از این اهرم، هم از نظر سیاسی و هم از نظر لجستیکی چالش‌برانگیز خواهد بود و در متالی به پالایشگاه‌های خصوصی چین که در بازار سیاه فعالیت می‌کنند، اشاره می‌شود که به گفته کارشناس روابط چین و ایران در دانشگاه کرونینگ هلند، این پالایشگاه‌های خصوصی عملا و به‌طور غیرقانونی بیشتر نفت ایران را خریداری می‌کنند». لذا ویلیام فیکرووا تأکید دارد که «کنترل این پالایشگاه‌های خصوصی به‌شدت دشوار است و به دنبال آن هم، کنترل مستقیم واردات نفت ایران از چین برای یکن چالش‌برانگیز خواهد بود.»



«شرق» از حضور وزیر امور خارجه ایران در سازمان همکاری‌های اسلامی و دیدارهای دو جانبه گزارش می‌دهد

# دیپلماسی در راه نجات غزه



ویژه‌الزهر مصر برای گفت‌وگوی بین مذاهب و همچنین تقویت روابط مردمی و گردشگری بین دو کشور تأکید کرد. وزیر امور خارجه کشورمان ضمن تشریح ابعاد حمله تروریستی اسرائیل به سفارت ایران در دمشق و همچنین واکنش نیروهای مسلح ایران در چارچوب دفاع مشروع، از موضع مصر در محکومیت اقدام تروریستی رژیم اسرائیل تشکر کرد.

در ادامه این نشست که تقریبا طولانی هم بود، سامح شکرى، وزیر امور خارجه مصر، ضمن ابراز خرسندى از این ملاقات، تأکید کرد همواره برائى گفت‌وگو و تماس بین مصر و ایران به‌عنوان دو کشور با تمدنى ریشه‌دار اهتمام داریم و مصر توجهی ویژه به یگیری توسعه روابط بین دو کشور دارد. سامح شکرى همچنین با اشاره به تبعات تداوم جنگ در غزه و حملات اسرائیل علیه مردم فلسطین و خسارت‌های بالای انسانی و مادی، به‌خصوص کشتار غیرنظامیان توسط اسرائیل، ابراز امیدواری کرد تلاش‌های جارى سیاسى و مذاکراتى، منجر به توقف جنگ علیه غزه و احقاق حقوق مردم فلسطین شود. سامح شکرى مجددا حمله اسرائیل به

استحمان سفارت ایران در سویره را محکوم کرد و شهادت جمعى از مستشاران نظامى ایران را تسلیت گفت و دیدگاه کشورش برای تلاش جهت جلوگیری از افزایش تنش در منطقه را مورد تأکید قرار داد. وزرای امور خارجه ایران و مصر در پایان ابراز امیدواری کردند برگزاری اجلاس سران همکاری اسلامی در کامبیا، موجب تقویت همستگى و وحدت جهان اسلام در حمایت از مردم فلسطین و حل‌وفصل مسائل و مشکلات منطقه شود.

**تلاش‌های منطقه‌ای برای توقف جنگ در غزه جدی‌تر شده است**

در همین زمینه، وزیر امور خارجه کشورمان درباره جزئیات سفر خود به کامبیا و شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی نوشت: «در حاشیه بازدهمین اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در کامبیا با آقای سامح شکرى، همتایم از مصر،

### گزارش

## گزارش «شرق» از تداوم نامه‌نگاری حسن روحانی با شورای نگهبان خنوشان روحانی

شرق: چهارشنبه هفته گذشته بود که نامه سوم روحانی به شوروی نگهبان درباره ارائه مستندات ردصلاحیتش ارسال شد و رئیس‌جمهور سابق با ارسال سومین نامه خود به این شورا، تأکید کرد چنانچه تا چند روز دیگر مستندات ردصلاحیت دریافت نشود، با وجود ابهامات فراوان نامه شورای نگهبان، پاسخ به آن منتشر خواهد شد. نامه اول روحانی خطاب به شوروی نگهبان در بیستم اسفندماه سال گذشته و نامه دوم هم پنج روز بعد در بیست‌وپنجم اسفندماه ۱۴۰۲ ارسال شد. حال با خنوشان کشیدن‌های روحانی پس از ارسال نامه سوم، از یک سو باید دید که واکنش شورای نگهبان چه خواهد بود و مستندات و ادله خود درباره ردصلاحیت حسن روحانی را ارائه خواهد داد؟ظاهرا کار تا آنجا برآه گرفته که جواد هروی هم در گفت‌وگوی دیروز شنبه خود با ایلنا خبر داد که «روحانی در جلسه اخیر مباحثی را به اعضای دولت خودشان اشاره کرده و عنوان کرده من دلایل ردصلاحیم را در روزهای آینده به تفصیل خواهم گفت».

سخنگوی حزب اعتدال و توسعه، این را هم مطرح می‌کند که روحانی در مقابل دلایل ردصلاحیت سکوت نمی‌کند، چراکه به گفته هروی، «این موضوع جایگاه شورای نگهبان را تضعیف می‌کند، نه شخص را؛ بنابراین به خاطر قداست شان شورای نگهبان، حسن روحانی چنین دفاعی را انجام خواهد

داد».سخنگوی حزب اعتدال و توسعه به وضعیت مشابه علی‌الیرجانی و جواب‌های شورای نگهبان به رئیس سابق مجلس اشاره دارد که به گفته او، نه‌تنها قانع‌کننده نبود، بلکه آقای ایرجانی به تفصیل حدود ۴۰ صفحه پاسخ دلایل ناموجه شورای نگهبان را دادند که شاید این قضیه بتواند مؤثر واقع شود که حالا مؤثر واقع نشد؛ پس این فعال

سیاسی باور دارد که شیوه شورای نگهبان باید مبتنی بر نگرش دموکراتیک باشد و آن چیزی که ما در بحث تسامح و تساهل اسلامی هم داریم، در این جایگاه باید حفظ شود». با این گفته‌ها، هروی نتیجه می‌گیرد که «کسانی مثل آقای روحانی از جایگاه شایسته‌ای در نظام برخوردار بوده و شخصیت درخورتوجه و موجهی در نظام هستند و فکر می‌کنم اینکه ایشان پاسخخی بر پاسخ‌های شورای نگهبان بدهند و قانع‌کننده نبودن و مجاب‌کننده بودن پاسخ‌های شورای نگهبان را پاسخ بدهند، امر مقبول و بسنیدیده‌ای است و باید شورای نگهبان هم بپذیرد و فکر می‌کنم اگر آنها هم پاسخ‌های مجاب‌کننده‌ای متقابلا داشته باشند، فضای مخدوش فکری، رسانه‌ای و اجتماعی را هم روشن خواهد کرد.» پیش از جواد هروی، محمد مهاجرى هم یکشنبه گذشته در گفت‌وگو با ایلنا و در ارزیابی دلایل ردصلاحیت روحانی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری که در جلسه با وزرای دولتش مطرح کرد، عنوان کرده بود ازآنجایی‌که نظرات شورای نگهبان درباره صلاحیت افراد مختلف دارای پارامترهای

عینی و ملموس برای جامعه نیست، همیشه سؤالاتی به وجود می‌آید. این سؤالات هم درباره تأیید صلاحیت افراد و هم درباره ردصلاحیت‌ها وجود دارد. به گفته این فعال سیاسی و رسانه‌ای اصولگرا، «شورای نگهبان از خط‌کشی استفاده می‌کند که مردم نمی‌دانند آن خط‌کش چه عملکردی دارد؟!». مهاجرى در پاسخ به این سؤال که چقدر این بندبانه‌یی را که برای ردصلاحیت آقای روحانی عنوان شده، وارد می‌دانید، تأکید کرد،«تقریبا هیچ اصل‌امنی گویم تقریبا، می‌گویم تحقیقا هیچ کدام.» چون از دید او «وقتی قرار است که کسی ردصلاحیت شود، نمی‌توانید سیاست‌هایی را که فرد براساس آن رأی آورده، دست‌مایه ردصلاحیت قرار دهید. از همان اول سیاست‌ها می‌تواند سیاسی را مطرح می‌کند و براساس آن رأی می‌آورد، شما نمی‌توانید او را به خاطر اتخاذ آن سیاست‌ها رد کنید». در نتیجه این تحلیلگر سیاسی می‌گوید: «ممکن است شورای نگهبان بگوید در عمل چنین و چنان. من می‌گویم آقای روحانی اگر در مقام ریاست‌جمهوری چنین اقدامات نادرستی داشته، چه ربطی به نمایندگی مجلس خبرگان دارد؟ وظایف مجلس خبرگان اصلا وظایف دیگری دارد. رهبری در سال‌های دور درباره آقای روحانی گفته بودند که آقای روحانی جزء عقلائی کشور است. چطور ممکن است آدم عاقل ردصلاحیت شود؟ اینکه به هر حال سال‌های سال در سمت نماینده رهبری در شورای‌عالی دفاع، شورای ریاست ملی، نمایندگی مجلس و دو دوره ریاست‌جمهوری بوده، به نظر منطقی نیست که ردصلاحیت شده باشد.»